

غربت امیر المؤمنین (ع) کار را به جایی رساند که گاه مجبور می شد در مسجد، دلیل تصمیم ها و کارهای خود را به مردم توضیح دهد، خود را توصیف کند و متأسفانه عده ای با بی شرمی می گفتند: دروغ می گوید! تلخ تر از تیغی که در ماه رمضان بر سر مبارک امیر المؤمنین (ع) اصابت کرد، غربت ایشان بود؛ حضرت باید خود را به مردمی معرفی می کرد که بسیاری از آنان به دیده شک به ایشان می نگریستند!

امیر المؤمنین (ع) بسیار از مردم دل گیر و خسته شده بود.

نقل شده که حضرت شبی رسول خدا (ص) را در خواب دید و رسول خدا (ص) به او فرمود:

علی جان، مردم را نفرین کن.

امام علی (ع) بسیار کریمانه عرضه داشت: «خداوندا بدتر از مرا بر اینان مسلط کن».

ایشان مردم را نفرین نکرد و از خداوند متعال برای آنان ذلت و عذاب نخواست؛ در واقع نفرین حضرت دعا برای مرگ خود بود؛ زیرا هرکس به جای ایشان روی کار بیاید، ضعیف تر و پایین تر از امیر المؤمنین (ع) است.

ایشان در لحظات آخر عمر شریف خود نیز فرمود: (إِنَّا كُنْتُ جَارًا جَاوِرَكُم بَدَنِي أَيَّامًا)؛ حقیقت علی بن ابی طالب با شما نبود، بدن او ایامی همسایه شما بود و شما قدر ندانستید. بعدها خواهید فهمید چه کسی را از دست دادید.

منبع:

کتاب قبله کعبه زاد

اثری از حجت الاسلام حامد کاشانی

(جلد اول - صفحه ۲۱۷)